اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره ۱۸

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانون‌گذاری استانی

۳۰ فروردین ۱۴۰۵
۱ ذی القعده ۱۴۴۷
۱۹ آوریل ۲۰۲۶
شماره هجدهم

@HOKMRAH

تلاشی برای «علم‌کُشی»

بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس

حمله به دانشگاه شریف و مراکز علمی در جنگ اخیر، نمود دیگری از تلاش دیرپای رژیم صهیونیستی و آمریکا برای «علم کُشی» در ایران بود که البته همچون تلاش‌های گذشته آن‌ها، ناکام و بدون نتیجه باقی خواهد ماند. در واقع، علاوه بر محکومیت و انزجار، باید به بی‌سوادی و نادانی طراحان چنین حملاتی تاسف خورد که نمی‌دانند ایران به درازای تاریخ در قله علم، تمدن و پیشرفت جهان قرار داشته است و تهاجم‌هایی از این بزرگ‌تر نتوانسته‌اند، عقل ایرانی را از تلاش برای گشودن افق‌های جدید منصرف کنند.

در این حملات، مضحک‌ترین مغالطه‌ای که برای توجیه حملات علیه نهاد علم در ایران به کار گرفته می‌شود، مغالطه هدف گیری زیرساخت‌های علمی و صنعتی با «کاربرد دوگانه» است. تا پیش از این، برای دهه‌ها ترور بزدلانه دانشمندان و نخبگان ایران در علوم مختلف (به‌ویژه دانشمندان هسته‌ای) با برساختن تصویر کاربری دوگانه از ذهن دانشمندان، از تمامی موازین انسانی و حقوقی عبور می کرد. در جریان جنگ شرافت نیز، دشمنان و ویران‌طلبان، دست در دست یکدیگر این مغالطه را به حد اعلا رساندند و برای دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی مورد بهره‌برداری دانشجویان، حتی برای پل‌های شهری و نیروگاه‌های تامین‌کننده برق شهروندان نیز کاربرد دوگانه تصویر کردند.

در اینکه مغالطه کاربرد دوگانه پوششی برای مقابله با پیشرفت، ممانعت از توسعه و «علم‌کُشی» در ایران است شکی وجود ندارد. با این حال، تناقض درونی این مغالطه هنگامی آشکارتر می‌شود که به مسیر بکارگیری علوم و فناوری‌های نوین برای کشتار سازمان‌یافته انسان‌ها توسط متجاوزین این جنگ توجه کنیم. ایران در جنگ شرافت با دو بازیگری رویاروست که یکی از آنها، تنها بکارگیرنده سلاح هسته‌ای در تاریخ نوع بشر بوده و دیگری، علاوه بر توسعه سلاح هسته‌ای در خفا، بیش از هفت دهه فلسطین را به آزمایشگاه صنایع تسلیحاتی و نظامی خود مبدل ساخته است.

حتی در هوش مصنوعی، به‌عنوان جدیدترین و فراگیر تحول فناورانه دهه حاضر، طرف‌های آغازکننده این تجاوز، پیشگام استفاده نظامی و تسلیحاتی به شمار می‌روند. رژیم صهیونیستی استفاده نظامی از هوش مصنوعی را پیش از غزه، در ایست‌های بازرسی پرشمار کرانه باختری با بکارگیری فناوری تشخیص چهره در سامانه موسوم به «ولف پک» آغاز کرده بود. اما بکارگیری سامانه‌های پشتیبان تصمیم (مانند سامانه‌های «لوندر» و «گاسپل») در جنگ غزه اولین نمونه استفاده نظام‌مند از هوش مصنوعی برای کشتار به شمار می‌رفت. سامانه «لوندر» به تنهایی در هفته‌های ابتدایی جنگ غزه برای گزینش ۳۷ هزار هدف، مورد استفاده قرار گرفت و نقشی برجسته در قربانی کردن غیرنظامیان، به‌ویژه زنان و کودکان، فلسطینی ایفا کرد. امروز بر هیچ‌کس پوشیده نیست که واحد ۸۲۰۰ ارتش رژیم صهیونیستی، در پیوند نزدیک با غول‌های فناوری ابری و هوش مصنوعی، به دنبال اشاعه و توسعه «روش‌های کشتار جمعی فناورانه» می‌گردد. در واقع، بار مشارکت و همدستی در این جنایت فناورانه آنچنان بر سینه برخی افسران و سربازان صهیونیست سنگینی کرده که در گفتگو با رسانه‌های تحقیقی، زبان به اعتراض گشوده‌اند و درباره تایید بدون مداخله و فله‌ای اهداف معرفی شده توسط هوش مصنوعی در جنگ غزه افشاگری کرده‌اند.

استفاده ایالات متحده از سامانه‌های مشابه در جنگ شرافت، نیز اخیرا افشا شده است. آمریکا در ساعات اولیه این جنگ، مدعی هدف‌گیری هزار نقطه در ایران شد و رسانه‌ها، مدتی بعد، به تفصیل درباره استفاده از سیستم هوشمند «ماون» متعلق به شرکت «پالانتیر» و ادغام آن با هوش مصنوعی ابری شرکت «آنتروپیک» برای گزینش اهداف حملات پرده‌برداری کردند. برخی منابع حتی مدعی شدند که حملات به نقاط مسکونی و مراکز آموزشی و درمانی حاصل اتکای مطلق به خروجی همین سامانه‌هاست؛ هرچند که شواهد و قرائن هدف‌گیری عامدانه این مراکز را تایید می کنند و نباید جنایت‌های عامدانه دار و دسته اپستین را به خطای فناورانه تقلیل داد.

به بیان خلاصه، نباید از این نکته غافل شد که متجاوزان با دستاویز قرار دادن کاربرد دوگانه، مشغول تلاش برای «علم کُشی» و حمله به کل زنجیره پیشرفت علمی در ایران (از دانشمند و دانشگاه گرفته تا دستاوردهای علمی در زیرساخت ها و صنایع) بودند و خود به شکلی متناقض، با بکارگیری نظامی آخرین پیشرفت‌های علمی، مشغول اشاعه و توسعه «روش‌های کشتار جمعی فناورانه» هستند و باید در این میان بار دیگر بر اهمیت نقش علم و فناوری بومی در ارتقای توانمندی های دفاع تاکید کرد.

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانون‌گذاری استانی
۳۰ فروردین ۱۴۰۵
۱ ذی القعده ۱۴۴۷
۱۹ آوریل ۲۰۲۶
شماره هجدهم
@HOKMRAH

جنگ‌رافت
روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره ۱۸
اندیشکده‌های حکمرانی وقانون‌گذاری استانی

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

تا حقیقت بخواهد کفش‌هایش را بپوشد دروغ کل جهان را یک دور می‌زند

سعید آوینی، عضو شورای راهبری اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری استان البرز

پیروزی نهایی در جنگ رمضان بر دشمن آمریکایی صهیونیستی بیش از هر سلاح جنگی، نیاز به سلاح رسانه‌ای با گلوله های روایت‌گری و روایت‌سازی دارد، سلاحی که نور گلوله‌هایش جبهه رسانه ای و خط محتوایی برای فعالین رسانه مشخص کند تا آنها بتوانند بغض‌های فروخفته صف‌های مردمی خیابان را در جهت تقویت تکبیر الله‌اکبرها با مشت های گِره‌کرده که پشتیبان نیروهای مسلح در خط مقدم می‌باشد به کار بگیرند.

مدافع نظامیم، منتقم امامیم

صف‌های مردمی نظام‌ساز کف خیابان در طول چند روز سپری شده از جنگ رمضان یکصدا "مدافع نظامیم و منتقم امامیم" را فریاد کردند.

این فریادها فتنه‌ها و نقشه‌های شوم دشمن را خنثی و ضربه محکمی بر پیکره دشمن و استکبار جهانی وارد کرده است.

دشمن کودک‌کش و کودک‌خوار آمریکایی صهیونیستی در دنیا می‌کرد و باعث هجوم دیگر جریان‌های مردمی دنیا علیه استکبار جهانی و دیکته کردن ضعف، ناامیدی و پذیرش شکست در جبهه دشمن می‌شد.

در یک جمله دبیر شورای عالی امنیت ملی توامان جبهه جنگ سخت و جنگ نرم را با هم مدیریت و راهبری می‌کرد.

جعل پیروزی در جنگ نرم، برای فرار از شکست جنگ سخت

مذاکره‌ی جعلی ترامپ با ایران و پر کردن خط رسانه‌ای مبتنی بر آن، سوءاستفاده از این خلاء بود.

خلاءی که دشمن با استفاده از آن خبری به دروغ درباره جنگ رمضان در دنیا منتشر کرد و تا حقیقت خواست کفش‌هایش را بپوشد و واقعیت را به مردم بیان کند، دروغ افکار عمومی جهان را فتح کرد و برخی افراد هم این دروغ را باور کردند و حتی بازارهای مالی و نفتی هم نسبت به آن واکنش مثبت نشان دادند.

راهبر جنگ نرم و پشتیبان جنگ سخت

شهیدعلی لاریجانی نه تنها سلاح جنگ نرم را در داخل کشور استفاده می‌کرد بلکه با تولید محتوای رسانه‌ای به زبان های مختلف در سطح منطقه و بین‌الملل جنگ نرم را نیز راهبری می‌کرد و جبهه رسانه‌ای موثری را در مقابله با جنگ روانی دشمن در داخل کشور و تقویت صفوف مردم در کف خیابان و جلوگیری از شکاف بین ملت و حاکمیت سازماندهی کرده بود.

بعد از شهادت دکتر لاریجانی علی رغم تمام تلاش‌های انجام‌شده در این خصوص، هنوز این خلاء به طور کامل پُر نشده است.

خلاءای که در آن دکتر لاریجانی توان میدان جنگ سخت را با قدرت کلمات تبدیل به زبان دیپلماسی جنگ‌نرم و گفتمان مردمی جنگ رمضان در مقابل

نکته پایانی شیر بچه‌های ذوالفقار به دست

از حق نگذریم کارهای رسانه‌ای دکتر قالیباف و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) و شیربچه‌های هوا و فضا که پای لانچر و روی موشک‌ها جملات طلایی می‌نویسند در نوع خودش بی‌نظیر است.

ان‌شاءالله حضور دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی آقای دکتر محمدباقر ذوالقدر این خلاء را جبران کند.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره ۱۸

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانون‌گذاری استانی

۳۰ فروردین ۱۴۰۵
۱ ذی القعده ۱۴۴۷
۱۹ آوریل ۲۰۲۶
شماره هجدهم

@HOKMRAH

پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی

امیر امیرگان، دبیر کمیسیون فرهنگی مجمع مشورتی نظام مسائل کشور

محوری از پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز شهادت رهبر شهید:

بلکه اگر بر فرض ضرورتا نوبت دوره سکوت در صحنه نبرد نظامی رسیده باشد، وظیفه آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارا هستند، سنگین‌تر از قبل به‌نظر می‌رسد.

با عنایت به اینکه رهبر معظم انقلاب دقت ویژه ای در استخدام کلمات داشته و در این خصوص در بین علما و شاگردان شهره هستند با تأمل در مفهوم «دوره سکوت» و «مهادنه» بر اساس فقه، قرآن و روایات، درباره پیام ایشان نکاتی عرض می شود.

در نگاه فقهی، «مهادنه» به معنای صلح موقت با دشمن، امری استثنایی و مقید به ضرورت است؛ نه یک اصل پایدار. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این عبارت، با قیدهای «بر فرض» و «ضرورتا» و نیز با تعبیر «دوره سکوت در صحنه نبرد نظامی» (نه آتش‌بس دائمی)، دقیقاً بر همین نگاه فقهی تاکید فرموده‌اند. نکته مهم آنکه در چنین شرایطی، وظیفه مردم نه کاهش که سنگین‌تر می‌شود و حضور در میادین، محلات و مساجد جایگزین صحنه نبرد نظامی می‌گردد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللهِ» (انفال، ۶۱). پذیرش صلح، مشروط به مصلحت اسلام و نبود فریب دشمن است. همچنین آیه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه، ۵) نشان می‌دهد اصل اولیه جهاد است، مگر ضرورت ایجاب کند.

در روایات، صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) با معاویه (عام الجماعه، ۴۱ ه.ق) مهم‌ترین سند تاریخی است. امام (علیه السلام) از سر ضرورت و برای حفظ اصل اسلام تن به صلح موقت داد. (منبع: بحارالانوار، ج۴۴، باب صلح امام حسن علیه السلام)

در فقه شیعه، شیخ طوسی در کتاب «المبسوط» و «الخلاف» و نیز امام خمینی در «تحریرالوسیله» (باب جهاد، فصل مهادنه) مهادنه را با شرایطی چون عدم تعرض به اصول دین، عدم ضرر بر مسلمانان و محدودیت مدت جایز دانسته اند. کتاب «المهادنه» نیز بر ضرورت و موقتی بودن این صلح تأکید دارد.

نتیجه:

بر اساس آیات قرآن (انفال، ۶۱)، سیره معصومین (صلح امام حسن علیه السلام)، فتاوای فقها و بیانیه اخیر رهبری معظم انقلاب، هرگونه دوره سکوت در نبرد، تنها در چهارچوب ضرورت عقلایی و برای مدت محدود قابل توجیه است. در چنین شرایطی، حضور مردمی در عرصه های اجتماعی و فرهنگی، نه تنها کم نمی‌شود که سنگین‌تر و حیاتی‌تر می گردد. اصل، استمرار مقاومت و هوشیاری در برابر فتنه دشمن است.

وفقناالله تعالی لمرضاته

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره ۱۸

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
و قانون‌گذاری استانی
شماره هجدهم

۳۰ فروردین ۱۴۰۵
۱ ذی القعده ۱۴۴۷
۱۹ آوریل ۲۰۲۶

@HOKMRAH

همپیمانی شکننده، تحلیل راهبردی نقش کشورهای عربی در جنگ علیه ایران و پیامدهای آن

دکتر داود شیروانی، عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان تهران

همکاری به اصطلاح راهبردی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس–از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین–با آمریکا و اسرائیل در جنگ علیه ایران، با ارائه پایگاه‌های نظامی و پشتیبانی لجستیکی، نقطه عطفی در معادلات امنیتی منطقه ایجاد کرده است. این مشارکت، که در قالب قرار دادن حریم هوایی، خاکی و دریایی در اختیار نیروهای مهاجم و تأمین نیازهای عملیاتی آن‌ها صورت گرفته، به معنای دخالت مستقیم و غیرمستقیم در جنگی تمام‌عیار است و تبعات راهبردی عمیقی را به همراه آورده است.

نکته قابل تامل این است که حضور این پایگاه‌ها نه تنها به عنوان عامل بازدارندگی برای کشورهای میزبان عمل نکرد، بلکه به نقطه ضعف دفاعی آشکاری برای آن‌ها تبدیل شد. در جنگ اخیر، این پایگاه‌ها به عنوان اهداف اولیه و مشروع در برابر پاسخ‌های نظامی ایران قرار گرفتند و امنیت ملی کشورهای میزبان را به طور مستقیم در معرض تهدید قرار دادند. این واقعیت، وابستگی امنیتی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نه به عنوان سپر دفاعی، بلکه به عنوان عاملی برای افزایش آسیب پذیری آن‌ها آشکار ساخت.

انگیزه‌های کلیدی این کشورها را می‌توان در هراس از نفوذ منطقه‌ای ایران، وابستگی امنیتی ساختاری به ایالات متحده، و بعضاً رقابت برای هژمونی در جهان عرب خلاصه کرد. این تصمیم در ادامه روند عادی سازی روابط با اسرائیل و شکل‌گیری بلوک ضد ایرانی اتخاذ شده و نشان‌دهنده همسویی کامل دیپلماتیک و امنیتی با اهداف جنگ است.

پیامدهای این همکاری اکنون به وضوح در حال شکل‌دهی به تحولات منطقه است. نخست، شکاف عمیقی میان دولت‌های عربی شرکت‌کننده و افکار عمومی ملت هایشان ایجاد شده است؛ زیرا اکثریت مردم این کشورها مخالف جنگ با ایران و همپیمانی با اسرائیل هستند. دوم، مشروعیت و نفوذ گفتمان مقاومت–با محوریت ایران–در پاسخ به این تهاجم تقویت شده و جایگاه ایران به عنوان نماد ایستادگی در برابر هژمونی غرب-صهیونیستی تثبیت گردیده است. سوم، امنیت داخلی کشورهای عربی درگیر با تهدیداتی از جمله تشدید تنش‌های فرقه‌ای و بی‌ثباتی سیاسی مواجه شده است.

در سطح کلان، این جنگ نظم امنیتی پیشین منطقه را دگرگون کرده است. وابستگی شدید کشورهای عربی به قدرت های فرامنطقه‌ای، حاکمیت ملی و امکان اتخاذ راهبرد امنیت مستقل را از آن‌ها سلب کرده است. همچنین، این همکاری به تقویت روندهای چندقطبی در منطقه انجامیده و زمینه را برای شکل‌گیری اتحادهای جدید–حتی میان برخی بازیگران عربی و ایران در دوره پساجنگ–فراهم آورده است. بحران اقتصادی ناشی از شوک به بازار انرژی و اختلال در تجارت منطقه‌ای نیز تمام کشورهای درگیر را تحت تأثیر قرار داده است.

در جمع‌بندی نهایی، مشارکت کشورهای عربی در این جنگ، اگرچه در نگاه نخست می‌توانست به عنوان یک مزیت عملیاتی برای نیروهای مهاجم به نظر برسد، اما در عمل نه تنها نتوانست برتری راهبردی پایداری برای آنان ایجاد کند، بلکه تبعات آن ناپایدار و معکوس بوده است. این اقدام ثبات داخلی کشورهای میزبان را مخاطره‌انداخته، موجبات تقویت گفتمان مقاومت و بازتوزیع قدرت به نفع بازیگران غیردولتی را فراهم آورده، و مشروعیت هژمونی سنتی در منطقه را تضعیف کرده است. تجربه این جنگ به وضوح نشان می‌دهد که اتحادهای امنیتی مبتنی بر ترس و وابستگی، نه تنها قادر به ایجاد امنیت پایدار نیستند، بلکه چرخه بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری را در خاورمیانه تعمیق می بخشند.

دشمن‌تر از دشمن، وطن‌فروشانِ پوشالی

امیرحسین میدانچیان، پژوهشگر دکتری حقوق خصوصی

اصولا انسان دارای احساسات و عواطف پیچیده‌ای است که بر تصمیم‌ها و رفتارهای او تاثیر جدی می‌گذارند. این احساسات حتی در تحلیل و بررسی رویدادهای سیاسی و اجتماعی نیز نقش پررنگی دارند؛ به‌گونه‌ای که انسان غالبا مایل است همان مطالبی را بشنود و بپذیرد که همسو با عواطف درونی و پیش‌فرض‌های ذهنی اوست. به همین دلیل، در مواجهه با اخبار و حوادث، آنچه را می‌پسندد برجسته می‌کند و آنچه را خوشایندش نیست نادیده می‌گیرد و در نهایت، برداشت گزینشی خود را به دیگران منتقل می‌سازد. حال آن‌که اگر به موضوع با نگاهی کلان و فارغ از هیجانات بنگرد، تفسیر و قضاوت او نسبت به همان رویدادها به کلی تغییر خواهد کرد.تمامی ادیان الهی و شاخه‌های مختلف علوم انسانی، انسان را همواره به تفکر، تعقل و استدلال دعوت کرده‌اند تا بتواند حقیقت را کشف کند. انسان بالغ، احساسات را از منطق جدا می‌کند و در پیِ واقعیت است. او باید منافع جمع و میهن را بر منافع زودگذر شخصی ترجیح دهد؛ هرچند معترض باشد یا با مشکلات جدی روبه‌رو شود، اما نباید اجازه دهد این ناراحتی‌ها چنان بر اندیشه‌اش سایه بیفکند که در جبهه باطل قرار گیرد.«جنگ تحمیلی رمضان» از همین دست رویدادهاست که بسیاری، آن را نه بر اساس واقعیت، بلکه بر پایه تمایلات و منافع خود تفسیر می‌کنند. نمونه روشن آن، عده‌ای وطن‌فروش هستند که تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند بپذیرند توییت رئیس‌جمهور آمریکا با مضمون «کمک در راه است» جز دروغی بزرگ و پوشالی چیز دیگری نبود. یا گروهی دیگر که اصرار داشتند موشک‌های دشمن هرگز به مردم عادی و اماکن عمومی اصابت نمی‌کند و حتی پس از دیدن وقایع تلخ و جان‌سوز اخیر، همچون فاجعه مدرسه میناب و پرپر شدن آن فرشته‌های نازنین، باز هم چشم بر حقیقت بستند و نپذیرفتند؛ و این، به راستی یعنی مرگ انسانیت.سؤال اساسی این است که رسیدن به هدف و منافع شخصی به چه قیمت؟ تا کجا می‌توان برای تأمین منافع خود، خط قرمز انسانیت را شکست و از بنیان‌های اخلاقی عبور کرد؟وقتی می‌بینیم دشمن خون خوار با نقض صریح قواعد بین‌المللی و اصول بنیادین حقوق بشر، به زیرساخت ها، پتروشیمی‌ها، پل‌ها، خطوط راه‌آهن و ساختمان‌های مسکونی به‌طور وحشیانه حمله می‌کند، چگونه می‌توان در برابر این واقعیت سکوت کرد و همچنان بر این باور پافشاری نمود که «کمک دشمن در راه است»؟ چگونه می‌توان داغ مادران داغدار و آوارگی پدران دردمند را دید و با این حد از قساوت قلب ادعا کرد که دشمن خون‌خوار با مردم مشکلی ندارد؟این‌گونه افراد که اگر بتوان هنوز به زحمت آنان را «انسان» نامید از سیاه ترین، ظالم‌ترین و پست‌ترین نمونه‌های نوع بشرند؛ وطن‌فروشانی که به خاک و ملت خود خیانت می‌کنند. اینان «دشمن تر از دشمن»اند؛ کسانی که در هیچ نقطه ای از جهان رنگ آرامش حقیقی را نخواهند دید و حتی پس از مرگ، گویی خاک نیز آنان را به خود نخواهد پذیرفت.کشورهای متخاصم هم با تکیه بر همین محاسبات غلط وارد جنگی بیهوده شدند. پس از «جنگ ۱۲ روزه»، هرگاه در محافل دانشگاهی صحبت از آن حوادث می‌شد، تحلیل من این بود که کشورها به سمت آغاز مجدد جنگ پیش خواهند رفت؛ تحلیلی که تا چند ماه پیش نیز بر آن پای می‌فشردم. تنها نقطه‌ای که در آن با قاطعیت می گفتم جنگی رخ نخواهد داد، مقطع اخیر بود؛ چرا که آمریکا هیچ برنامه سیاسی مشخص و مدونی برای آغاز جنگ نداشت و صرفاً اسیر لابی یهود و محاسبات نادرست خود از وقایع ۱۸ و ۱۹ دی شده بود. طراحی آنها بر این اساس بود که با شروع جنگ، مردم معترض به جبهه دشمن بپیوندند و آشوبی فراگیر شکل بگیرد.اما مردم نازنین ایران، هرچند ناراضی و معترض، با آگاهی و هوشمندی کم‌نظیر، فریب این نقشه شوم را نخوردند. آنان در کنار ایران ایستادند و به دشمن فهماندند که او ایرانیان شریف را هرگز درست نشناخته است. به نظر نگارنده، این «اتحاد کم‌نظیر مردم» رمز اصلی پیروزی و سرافرازی در این جنگ تحمیلی است؛ پیروزی‌ای که بی‌تردید در تاریخ معاصر ماندگار خواهد شد.

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده های حکمرانی
وقانون گذاری استانی
۳۰ فروردین ۱۴۰۵
۱ ذی القعده ۱۴۴۷
۱۹ آوریل ۲۰۲۶
شماره هجدهم
@HOKMRAH

جنگ‌گرافت
اندیشکده های حکمرانی وقانون گذاری استانی
روزنامه الکترونیکی
@HOKMRAH
شماره ۱۸

اندیشکده های حکمرانی وقانون گذاری استانی

دفاع ۴۰ روزه ایران؛ پایان هژمونی آمریکا در کریدورهای جهانی

کاظم سلیمی، مدیر مجموعه انبارهای عمومی و خدمات گمرک

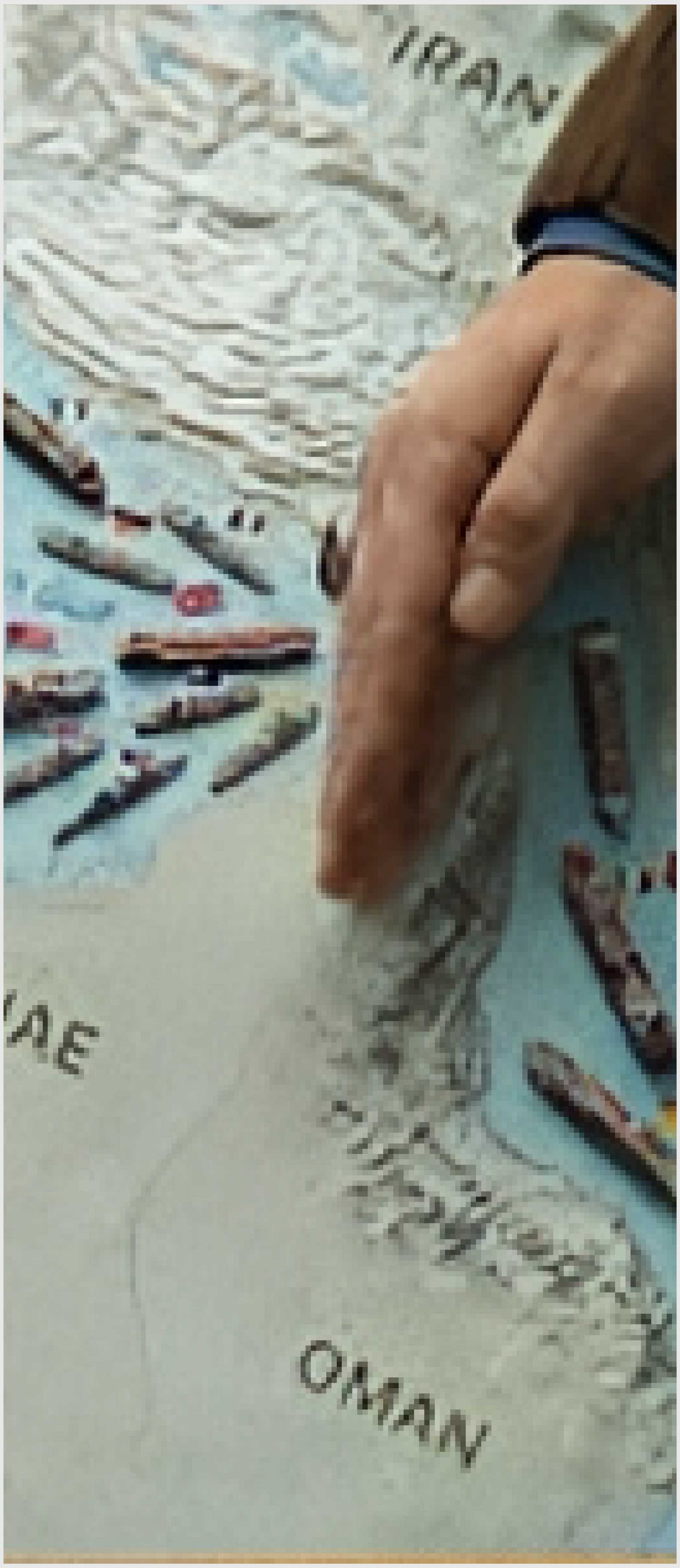

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران وتسلط آن برتنگه هرمز،کشورمان را به یکی از بازیگران فعال در بحثکریدورهاتبدیل کرده است. ایران توانست به مدت چهل روز در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی از خود دفاع کند؛ دفاعی پیچیده که به گفته بسیاری از تحلیلگران، ایران را در جایگاه یک بازیگر برنده از این تقابل خارج کرده است.یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بحث طرح‌های کریدوری، مسئله امنیت پایدار است. کریدورها نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند و در عین حال همچون رگ‌های ارتباطی اقتصاد جهانی عمل می‌کنند. قطع این مسیرها، حتی به‌صورت موقت، یا تهدید نابودی و آسیب به این زیرساخت‌ها می‌تواند تبعات بسیار گسترده‌ای داشته باشد.ایران همین اکنون نیز توانسته سهم مهمی از معادلات کریدوری را به دست آورد.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و تسلط آن بر تنگه هرمز، به‌طور بالفعل کشورمان را به یکی از بازیگران فعال در بحث کریدورها

است به تقویت درک قدرت ژئوپلیتیکی ایران در میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شود.در جهانی که رقابت بر سر مسیرهای انتقال کالا و انرژی روزبه‌روز تشدید می‌شود، کشوری که بتواند هم امنیت مسیرها را تضمین کند و هم از موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان گره ارتباطی میان شرق و غرب بهره بگیرد، به بازیگری تعیین‌کننده تبدیل خواهد شد؛ جایگاهی که ایران در دوره پساجنگ می‌تواند بیش از گذشته در جهت تثبیت آن حرکت کند ، بنابراین جمهوری اسلامی ایران توانسته در حیطه راهبردی جایگاه لجستیکی خود را احیا کند اما در حیطه اجرایی برای ثمر بخش کردن زحمات نیروهای مسلح نیاز به اصلاح ساختار جزیره ای لجستیکی و تجاری در کشور است ، به صورتی که جایگاه گمرک بعنوان مرزبان اقتصاد کشور و سازمان توسعه تجارت بعنوان بازرگان کلان کشوری و مناطق آزاد بعنوان سکوی سرمایه گذاری تبدیل کرده است. در عین حال ایران باید تلاش کند سایه جنگ را از خود دور نگه دارد؛ رویکردی که در رفتار اخیر تهران نیز قابل مشاهده است.

ایران با مقاومت گسترده و تلاش برای تضعیف سایر زیرساخت‌های نظامی و امنیتی ، گامی مهم در جهت دور کردن تهدید مستقیم جنگ از قلمرو خود برداشته است.نکته مهم دیگر آن است که جمهوری اسلامی با عملکرد فعال خود در ضربه زدن به کشورهای متحد آمریکا در منطقه نشان داده است که می‌تواند شریک تجاری قابل اتکایی باشد؛ شریکی که حتی در بدترین شرایط، یعنی شرایط جنگ، نیز قادر است از منافع شرکای اقتصادی خود دفاع کند.

در مجموع، جنگ اخیر را می‌توان نقطه عطفی در معادلات ژئوپلیتیکی کریدورها دانست. اگرچه این جنگ می‌توانست منجر به تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران و کاهش نقش آن در طرح‌های بزرگ ترانزیتی شود، اما نتیجه عملی آن ممکن

خارجی در داخل کشور از حیطه بخشنامه ای خارج شده و بعنوان عناصر تصمیم ساز و جهت دهنده در قالب یک محور عمل کنند، در اینصورت امید آن می رود با ایجاد نظام تجاری بازرگانی چابک و مشارکت بخش خصوصی به تامین خسارت های وارده به کشور کمک کرد و در بعد راهبردی با فعال کردن کریدور های زمینی و هوایی ، علاوه بر کریدور دریایی (تنگه هرمز) به قدرت چانه زنی کشور در مذاکرات کلان سیاسی افزود.